

Immortality of the People of Hell from the Perspective of Verses and Narrations: A study of Sadr al-Din Shirazi's Veiw¹

Mohsen Fadakar Langerudi* Seyyed Hasan Bathayi**

Yadollah Dadju*** Rajab Akbarzadeh****

(Received on: 2019-12-23; Accepted on: 2020-04-02)

Abstract

Belief in the immortality of the people of Hell is an issue that has been raised by philosophers, theologians, and thinkers, as well as the holy sharia. The immortality of the people of Hell means that they will live forever in Hell and the hereafter; it indicates that some of them will be in Hell forever and will be deprived of the blessings of God and will be in constant torment. The question of this research is: What is the meaning of immortality of the people of Hell from the perspective of the verses of the Holy Quran? And what is the interpretation of Sadr al-Din Shirazi on the verses related to this subject? Regarding immortality and permanence in torment, some objections have been raised, including the opposition of immortality and permanence in torment to the vast divine mercy, God' justice and divine nature. Using a descriptive-analytical method and based on inferential reasoning, this research examines the immortality of the people of Hell in fire from the perspective of verses and hadiths and while clearing up this theory, explains Molla Sadra's theory and revises it.

Keywords: Immortality in Hell, Holy Quran, Sadr al-Din Shirazi, Immortality of the People of Hell.

1. This article is taken from: Mohsen Fadakar Langerudi, "Examination and Critique of the Immortality of the People of Hell on the Basis of Transcendent Wisdom and Its Matching with the Holy Quran", 2021, PhD Thesis, Supervisor: Hasan Bathayi, Payame Noor University, Qom, Iran.

* PhD Student in Teaching Islamic Knowledge, Payame Noor University, Qom, Iran (Corresponding Author), mohsen.langroudi@gmail.com.

** Associate Professor, Department of Islamic Knowledge, Payame Noor University, Tehran, Iran, dr.bathayi@gmail.com.

*** Associate Professor, Department of Islamic Knowledge, Payame Noor University, Qom, Iran, dadjoo43@gmail.com.

**** Assistant Professor, Department of Islamic Knowledge, Payame Noor University, Qom, Iran akbarzadeh@yahoo.com.

پژوهش‌نامه امامیه

سال ششم، شماره دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ص ۲۷۷-۲۹۵ «مقاله پژوهشی»

خلود دوزخیان در جهنم از منظر آیات و روایات: بررسی دیدگاه صدرالدین شیرازی^۱

محسن فداکار لنگرودی*

سید حسن بطحایی** یدالله دادجو*** رجب اکبرزاده****

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۱۴]

چکیده

اعتقاد به «خلود دوزخیان در جهنم» مسئله‌ای است که هم فیلسوفان، متکلمان، و اندیشمندان مطرح کرده‌اند و هم در شرع مقدس مطرح شده است. خلود دوزخیان به معنای زیستن همیشگی آنان در دوزخ و عالم پس از مرگ است؛ بدین معنا که برخی از آنان برای همیشه در جهنم‌اند و از نعمت‌های خدا محروم خواهند شد و پیوسته در رنج و عذاب به سر خواهند برد. پرسش این پژوهش آن است که: خلود دوزخیان در جهنم، از منظر آیات قرآن کریم به چه معنا است؟ و صدرالدین شیرازی چه تفسیری ذیل آیات مربوط به این موضوع دارد؟ درباره خلود و دوام در عذاب، ایراداتی مطرح شده که از جمله آنها مخالفت خلود در عذاب با رحمت واسعه الاهی، عدالت او و فطرت الاهی است. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و بر اساس استدلال استنتاجی، خلود دوزخیان در آتش را از دیدگاه آیات و روایات بررسی می‌کند و ضمن تبیین این نظریه به تشریح نظریه ملاصدرا و تنقیح آن می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: خلود در جهنم، قرآن کریم، صدرالدین شیرازی، خلود دوزخیان.

۱. برگرفته از: محسن فداکار لنگرودی، بررسی و نقد خلود دوزخیان بر اساس مبانی حکمت متعالیه و تطبیق آن با قرآن کریم، رساله دکتری، استاد راهنما: حسن بطحایی، دانشگاه پیام نور قم، ایران، ۱۳۹۹.
* دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، قم، ایران (نویسنده مسئول)
mohsen.langroudi@gmail.com

** دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران dr.bathayi@gmail.com

*** دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، قم، ایران dadjoo43@gmail.com

**** استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، قم، ایران akbarzadeh@yahoo.com

مقدمه

زندگانی پس از مرگ ابهاماتی دارد که همواره ذهن بشر متفکر را به خود مشغول کرده است. البته با تفکر و تحقیق در سخنان و گفته‌هایی که از طریق ائمه علیهم‌السلام به ما رسیده یا در قرآن آمده، این ابهامات رفع شدنی و تبیین‌پذیر است. از جمله این ابهامات، مسئله خلود دوزخیان در جهنم است که پرسش‌هایی راجع به آن در میان اهل نظر وجود دارد؛ آیا دخول انسان‌ها در جهنم همیشگی است؟ آیا خلود دوزخیان با رحمت الاهی سازگار است؟ و ...؛ هر کدام از این ابهامات و مسائل مشابه آن، نیازمند پژوهش‌های مستقلی است که باید تحقیقات جامعه دینی به آنها معطوف شود.

ذیل این مبحث دیدگاه‌های مختلفی از متکلمان و فلاسفه مطرح شده که گاهی این دیدگاه‌ها با هم متفاوت‌اند. برخی از مفسران قرآن کریم، با توجه به آیات و روایات، به خلود دوزخیان معتقدند، ولی برخی از فلاسفه این جاودانگی را تبیین نکرده‌اند و به دیدگاه دیگری قائل‌اند.

صدرالدین شیرازی در این مسئله صاحب نظریه است. البته وی در برخی از آثارش قائل به نظریه‌ای است، اما در دیگر آثارش از این نظریه اولیه عدول کرده و به دیدگاه دیگری معتقد شده است که در این مقاله آن را تبیین خواهیم کرد. اگرچه در این موضوع مقالات و کتب مختلفی تألیف شده، اما به دلیل اهمیت آن و نیز لزوم تطبیق این نظریه با دیدگاه ملاصدرا، پرداختن به آن، به دلایل ذیل، ضرورت دارد:

۱. رفع خلأهای پژوهشی در حوزه معادشناسی و ارائه پژوهش خاص در موضوع خلود دوزخیان؛

۲. ضرورت بازخوانی و تبیین مبحث خلود دوزخیان در آیات و روایات برای جامعه دینی؛

۳. لزوم توجه به ادله نقلی (به‌ویژه آیات قرآن) در موضوع خلود دوزخیان و تبیین آن با استفاده از مبانی فلسفی و کلامی؛

۴. تأثیر مباحث مربوط به خلود دوزخیان در ارتقای زندگی فردی و اجتماعی آحاد جامعه؛

۵. تأثیر تبیین مسئله خلود دوزخیان در تدوین اصول و مبانی مربوط به تربیت؛
۶. هموارشدن راه عمل به دستورهای دینی از طریق تبیین مباحث و مسائل دینی و بیان تفاسیر آیات قرآن کریم از منظر اندیشمندان مسلمان.

۱. مفهوم‌شناسی «خلود»

۱.۱. خلود در لغت

دو دیدگاه در مسئله خلود دوزخیان مطرح است؛ برخی آن را به معنای «جاودانگی» و برخی دیگر آن را به معنای «آمد طویل» گرفته‌اند. فیروزآبادی آن را به معنای جاودانگی گرفته است: «الْخُلْدُ بِالضَّمِّ: الْبَقَاءُ وَالِدَوَامُ؛ خُلِدَ بِهِ ضَمٌّ بِهْ مَعْنَى بَقَا وَ دَوَامٍ» (فیروزآبادی، ۱۲۷۲: ۴۰۳). برخی دیگر از لغت‌شناسان به این نظریه معتقدند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۰۶/۲؛ معلوف، بی‌تا: ۴۱۲). اما ابن فارس خلود دوزخیان را به معنای «آمد طویل» می‌داند: «اصل واحد يدل على الثبات والملازمة و خَلَدَ: یعنی اقام،.... و مخلدون ای لایموتون ... و سُمِّيَ بِذَلِكَ لِأَنَّهُ مُسْتَقَرٌّ ثَابِتٌ» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۰۶/۲). با توجه به ادله‌ای که در ادامه خواهد آمد باید گفت دیدگاه مختار ما این است که خلود دوزخیان به معنای جاودانگی در آتش است و می‌توان گفت این نظریه با آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) منطبق است.

۱.۲. خلود در اصطلاح مفسران

برای واضح شدن معنای «خلود» در اصطلاح، مطالبی را از چند تن از اندیشمندان اسلامی نقل می‌کنیم:

۱. زمخشری: «والخلد: الثبات الدائم والبقاء واللازم الذي لا ينقطع؛ خُلِدَ یعنی ثبات دائم و بقا، و چیزی که منقطع نمی‌شود» (زمخشری، ۱۳۷۴: ۱/۱۱۱).

۲. جوادی آملی: «معتزله خلود را به معنای زمان ممتد نمی‌دانند؛ بلکه به معنای لازم و ثبات می‌دانند؛ اما اشاعره آن را به معنای زمان ممتد می‌دانند و طولانی یا مکث طویل گرفته‌اند» (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۴۸۲/۱).

۳. فخر رازی: «با توجه به موارد استعمال کلمه «خلود»، مانند اطلاق آن بر انسان به لحاظ روح او و اطلاق او بر وقف (مخلد) و با عنایت به اینکه اشتراک و مجاز، خلاف اصل است، به دست می‌آید که معنای «خلود» در جهان آخرت همان زمانی طولانی است» (فخرالدین رازی، ۱۳۷۱: ۴۸۸/۱).

واضح است که اگر خلود درباره آخرت به کار می‌رود، مسئله «زمانی بودن»، به معنایی که در این دنیا از آن سخن می‌گوییم، منتفی است؛ چراکه زمان، زائیده حرکت شیء مادی است و چنان‌که می‌دانیم، عالم آخرت مادی نیست تا حرکت داشته باشد و

زمان‌های گوناگون، که اکنون می‌شناسیم، از آن انتزاع شود. پس معنای ثبات، بقای ابدیت و جاودانگی اخروی موضوعی است. مصباح یزدی در این باره می‌گوید: «زمان نوعی مقدار و کمیت متصل است که ویژگی آن قرارناپذیری می‌باشد و به واسطه حرکت، عارض بر اجسام مادی می‌شود» (مصباح یزدی، ۱۳۷۵: ۱۵۷).

۲. خلود دوزخیان از منظر قرآن کریم

قرآن کریم در آیات متعددی به موضوع «خلود دوزخیان» پرداخته و آن را برای غیر کسانی که به راه حق ایمان آورده‌اند (کافران و مشرکان) مسلم و بدیهی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۵۰: ۹۴)، اما در اینکه مراد از «خلود» چیست و مختص چه کسانی خواهد بود، جای بحث و بررسی است. با در کنار هم قراردادن آیات قرآن کریم، می‌توان به معنا و مفهوم این آیات دست یافت؛ در برخی از آیات، جاودانگی عذاب فقط برای زناکاران، رباخواران و قاتلان آمده است.

قرآن کریم با تعبیر مختلفی به این موضوع پرداخته است، از جمله تعبیر «فیها خالدون»، «ما هم بخارجین من النار»، «خالدین فیها»، «خالدین فیها ابدأ»، «یخلد فیها»، «خالدین فیها مادامت السموات والأرض»، «عذاب الخلد»، «عذاب مقیم»، «فی العذاب هم خالدون»، «لا ینخف عنهم العذاب»، «فی جهنم خالدون» و «دار الخلد». برخی از آیات که به این موضوع پرداخته‌اند، عبارت‌اند از:

۱. «وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ إِلَّا إِنْ مَتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ»؛ «پیش از تو برای هیچ بشری جاودانگی قرار ندادیم؛ آیا اگر تو بمیری آنان جاویدان خواهند ماند؟!» (انبیاء: ۳۴).

۲. «خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا»؛ «همیشه در آن جاودانه‌اند و سرپرست و یاری [که آنان را نجات دهد] نیابند» (احزاب: ۶۵).

۳. «... وَ قَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ»؛ «... در آن حال اهل ایمان می‌گویند: یقیناً زیناکاران کسانی هستند که روز قیامت سرمایه وجود خود و کسانشان را تباہ کرده‌اند. آگاه باشید! مسلماً ستمکاران در عذابی پایدارند» (شوری: ۴۵).

۴. «يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَ مَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ»؛ «همواره می‌خواهند از آتش بیرون آیند، ولی از آن بیرون‌شدنی نیستند؛ و برای آنان عذابی دائم و پایدار است» (مائده: ۳۷).

۵. «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمَنِينَ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ لَا يُمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ»؛ «به‌یقین پرهیزکاران در بهشت‌ها و چشمه‌سارها هستند [به آنان گویند]: با سلامت و امنیت وارد آنجا شوید. و آنچه از دشمنی و کینه در سینه‌هایشان بوده برکنده‌ایم که برادروار بر تخت‌هایی روبه‌روی یکدیگرند. در آنجا خستگی و رنجی به آنان نمی‌رسد و هیچ‌گاه از آنجا بیرونشان نمی‌کنند» (حجر: ۴۵-۴۸).

۶. «بُضَاعَفَ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا»؛ «روز قیامت عذابش دوچندان شود، و در آن با سرشکستگی جاودانه ماند» (فرقان: ۶۹).

۷. «وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»؛ «و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند، اهل آتش‌اند و در آن جاودانه‌اند» (بقره: ۳۹).

۸. «إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ»؛ «قطعاً کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، و از پذیرفتن آنها تکبر ورزیدند، درهای آسمان [برای نزول رحمت] بر آنان گشوده نخواهد شد، و در بهشت هم وارد نمی‌شوند مگر آنکه شتر در سوراخ سوزن درآید! [پس همچنان‌که ورود شتر به سوراخ سوزن محال است، ورود آنان هم به بهشت محال است]؛ این‌گونه گنهکاران را کیفر می‌دهیم» (اعراف: ۴۰).

۹. «خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ»؛ «در آن لعنت جاودانه‌اند؛ نه عذاب از آنان سبک شود، و نه مهلتشان دهند» (الاعمران: ۸۸).

۱۰. «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ»؛ «قطعاً کسانی که کافر شدند، و در حال کفر از دنیا رفتند، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنان است» (بقره: ۱۶۱-۱۶۲).

بر اساس این آیات و آیاتی مشابه آن، برخی از مفسران قرآن کریم قائل به جاودانگی برخی از انسان‌ها در دوزخ شده‌اند و برای آن ادله‌ای ذکر کرده‌اند و برخی دیگر با اقامه دلایلی، خلود به معنای «اقامت دائمی در جهنم» را مردود دانسته‌اند و مطالبی دیگر برای تبیین و تفسیر این آیات ذکر کرده‌اند؛ در اینجا به برخی از ادله موافقان و مخالفان خلود اشاره می‌کنیم و در ادامه دیدگاه ملاصدرا و ادله وی را تبیین خواهیم کرد.

۳. بحث و بررسی

۳. ۱. نظریه مخالفان خلود

در میان اندیشمندان و علمای مسلمان، برخی از اشاعره و بعضی از عرفا با «خلود در دوزخ» مخالفاند و برای آن ادله‌ای ذکر کرده‌اند. در اینجا اشاره‌ای به دیدگاه این دسته می‌کنیم:

اشاعره

برخی از اشاعره مخالف خلود در عذاب‌اند و معتقدند «خلود» به معنای جاودانگی در عذاب صحیح نیست. آنها برای این ادعا ادله‌ای ذکر کرده‌اند:

دلیل اول: سیوطی می‌نویسد: «بعضی از صحابه پیامبر ﷺ و قدمای اصحاب، از جمله عمر بن خطاب، عبدالله بن عمر، ابراهیم، ابوسعید، ابوهریره و شعبی با معنای خلود در عذاب مخالفت کرده‌اند» (سیوطی، ۱۴۰۳: ۳۸۰/۳). یکی از ادله وی بر جاودانه‌نبودن عذاب دوزخیان، دیدگاه صحابه پیامبر ﷺ است؛ از منظر او، برخی از صحابه چنین نظری داشته‌اند.

دلیل دوم: ابن هجر هیتمی در کتاب *الزواج* افراد دیگری را جزء مخالفان نظریه خلود معرفی می‌کند و می‌نویسد: «علاوه بر عمر بن خطاب و ابن مسعود و ابوهریره، افرادی همچون انس، حسن بصری، حماد بن سلمه، علی بن طلحه الولبی و جمعی از مفسران قرآن کریم با نظریه خلود در عذاب مخالفت کردند» (صدیق حسن‌خان، ۱۴۱۵: ۴۰۷/۴). قائلان به این دلیل هم همچون قائلان به دلیل اول، به دیدگاه برخی دیگر از صحابه استناد کرده‌اند و نظریه جاودانه‌نبودن عذاب دوزخیان را ترجیح داده‌اند.

دلیل سوم: برخی دیگر از علمای اشاعره دلیل مخالفت با خلود را در دائمی‌نبودن «جهنم» می‌دانند و معتقدند جهنم، که پایگاه عذاب و عقاب است، فناپذیر و از بین رفتنی است. مثلاً ابن تیمیه می‌نویسد: «جمعی از صحابه و تابعین به فناء جهنم معتقدند» (همان: ۴۰۹/۴). همچنین، ابن مسعود می‌نویسد: «لیأتین علیها زمان تخفق ابوابها؛ به طور قطع زمانی بر جهنم خواهد آمد که درب‌هایش به حرکت درخواهد آمد (بسته خواهد شد)» (همان). این دلیل بر اساس این آیه است که می‌فرماید: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ»؛ «همه اشیا (موجودات) از بین خواهند رفت، به جز ذات باری تعالی» (قصص: ۸۸).

دلیل چهارم: ابوحامد غزالی اعتقاد به خلود را مخالفت با عقل و شرع و مساوی با

جهل می‌داند و می‌نویسد:

هذا جهل بالكرم والمرؤه والعقل والعادة والشرع فانا نقول: العباد قاضية والعقول مشيرة الى ان التجاوز والصفح احسن من العقوبة والانتقام و ثناء الناس على العافی اكثر من ثنائهم للمنتقم واستحسانهم للعفو اشد، فكيف يستقبح العفو والانعام؟؛ این (خلود دوزخیان) ناشی از جهل به کرامت و مروت و عقل و عادت و شرع است؛ ما می‌گوییم: بندگان داوری می‌کنند و عقول آنان حکم می‌کند که گذشت نیکوتر است از عقوبت کردن و انتقام گرفتن و تحسین بر کسی که از عقوبت دیگران درمی‌گذرد، بیشتر است از تحسین‌شان بر کسی که انتقام می‌گیرد و همین‌طور عفو را بیشتر نیکو می‌شمرند؛ پس چگونه عفو و بخشش را قبیح بدانند؟! (غزالی، ۱۴۳۰: ۱۸۳).

غزالی واقعیات زندگی دنیا را به تصویر کشیده و از آن به جاودانه‌نبودن عذاب دوزخیان استدلال کرده است؛ از منظر او، همان‌طور که در دنیای بشر انتقام گرفتن قبیح است و در مقابل آن عفو و گذشت، نیکوتر است، در سرای آخرت هم این نکته عقلی وجود دارد، و در نهایت همه اهل دوزخ از نعمت عفو و گذشت باری تعالی متنعم می‌شوند! بنابراین، دوزخیان برای همیشه در آنجا نخواهند ماند.

دلیل پنجم: ابن قیّم به عنوان اولین مفسر موضوع خلود، به فطرت توحید انسان‌ها اشاره می‌کند و معتقد است این فطرت هم در مسلمان و هم در کافر وجود دارد و همین دلیل بر نجات آنان و جاودانه‌نبودن عذاب است. او می‌نویسد:

هل هذا الكفر والتكذيب والخبث امر ذاتی لهم زواله مستحيل، ام هو امر عارضی طارئی علی الفطرة قابل للزوال؟ هذا حرف المسألة و ليس بایدكم ما يدل علی استحالة زواله و انه امر ذاتی. و قد اخبر سبحانه انه فطرن عباده علی الحنیفیه؛ آیا این کفر و تکذیب و خبثاتی که بر دوزخیان وارد آمده، امری ذاتی است برای آنان که زوالش محال باشد یا امری عارضی است که بر فطرت پاک دوزخیان وارد آمده و زوال‌پذیر است؟ این (پرسش) مسئله اصلی است و در دستان شما (موافقان خلود) دلیلی نیست که بر محال‌بودن زوال کفر دوزخیان دلالت کند و ثابت کند که کفر آنان ذاتی است. خداوند متعال هم فطرت بندگان را بر دین حنیف آفریده است^۱ (ابن قیّم جوزیه، ۱۹۸۹: ۲۶۰-۲۷۴).

دلیل ششم: محمود شلتوت، از علمای الأزهر مصر، معتقد است هیچ نص صریحی در قرآن کریم، که دال بر خلود و جاودانگی عذاب باشد، نداریم. او می‌گوید:

لیس فی القرآن نص قطعی صریح فی دوام النار، و انما فیہ التصریح بخلود الکفار فیها و هو یستحقق بانهم لایخرجون منها مادامت موجودة، اما انها تنقطع او تدوم فهذا شیء آخر لیس فی القرآن ما یقطع به؛ در قرآن کریم نصی قطعی و صریح بر دوام عذاب دوزخیان وجود ندارد، آنچه در قرآن کریم وجود دارد تصریح به خلود کفار در آتش است و آنان مستحق عذاب‌اند، مادامی که کفرشان برقرار باشد؛ اما اینکه کفر آنان زمانی تمام می‌شود یا به طور دائم در آن خواهند بود، مطلبی است که در قرآن به طور قطع به آن اشاره نشده است (شلتوت، ۱۹۹۱: ۵۸).

ایشان در بیان این دلیل به این نکته اشاره می‌کند که دوزخیان تا زمانی در دوزخ خواهند ماند که کفر و الحاد و فسقشان پابرجا باشد؛ اما زمانی که کفرشان به اتمام رسید و به اندازه کفرشان عذاب دیدند، از دایره کفار خارج می‌شوند و عذابشان متوقف می‌گردد. این بیان را شیخ محمود شلتوت به آیات قرآن کریم مستند کرده است. از منظر او، در قرآن کریم آیاتی دال بر خلود دوزخیان در دوزخ نداریم، بلکه آنچه در قرآن به آن تصریح شده، عذاب دوزخیان است، مادامی که مستحق عذاب باشند و هنگامی که استحقاقشان بر عذاب تمام شود از دوزخ خارج می‌شوند.

دلیل هفتم: محمد عبده، که کمی در ابراز عقیده‌اش احتیاط می‌کند، ابتدا به تفصیل نظریه ابن‌قیم را ذکر می‌کند، و بعد از آن، عقیده و دلیل خود را این‌گونه بیان می‌کند:

و خلاصة ان رحمته اوسع و اکمل و اراده اهم و اشمل فلا یقیدهما شیء و لا یحیط بهما الا علمه؛ و خلاصه آنکه رحمت خداوند متعال اوسع و اکمل است و اراده او شامل همه چیز می‌شود؛ هیچ چیز رحمت و اراده الاهی را مقید نمی‌کند و به جز علم الاهی هیچ چیز به آن دو احاطه ندارد (عبده، ۱۴۲۷: ۲۱۶/۱۲).

این دلیل به این نکته اشاره دارد که رحمت خداوند متعال شامل حال دوزخیان هم می‌شود و اگر شامل آنان نشود، به معنای مقید کردن رحمت است، حال آنکه رحمت خدا به چیزی مقید نمی‌شود.

عرفا

عرفا از جمله مخالفان اصلی مسئله «خلود دوزخیان» هستند؛ عرفا و بزرگانشان خلود در عذاب و جاودانه بودن جهنم را نمی‌پذیرند و معتقدند روزی فرا خواهد رسید که عذاب هم تمام می‌شود و همگان در نعمت و رحمت الاهی متنعم خواهند شد. البته برخی از مفسران و اندیشمندان به عرفا خرده گرفته و سخنان آنان را بی‌پایه و اساس خوانده‌اند. در این بین برخی مطالب که بوی توهین دارد، به عرفا نسبت داده‌اند و در مقابل، دیگران از جایگاه عرفان و اخلاق و عرفا دفاع کرده‌اند.

عرفا با استناد به آیاتی از قرآن کریم، همچون آیه «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (اعراف: ۱۵۶)، گستره رحمت الاهی را وسیع می‌دانند، به طوری که شامل «غضب الاهی» هم می‌شود. در اینجا به برخی از نقل قول‌های عرفا می‌پردازیم:

نقل اول: ابن عربی، ذیل تفسیر سوره حمد، می‌نویسد:

فإذا وقع الجدار، وانهدم السور، وامتزجت الأنهار، والتقت البحران، و عدم البرزخ: صار العذاب نعیمًا، و جهنم جنة! فلا عذاب و لا عقاب، إلا نعیم و أمان؛ پس هنگامی که دیوار شکسته شد و حصار تخریب شد و رودخانه‌ها با هم مخلوط شدند و دو دریا با هم روبه‌رو گشتند و جهنمی نبود، عذاب تبدیل به نعمت می‌شود و جهنم بهشت خواهد شد؛ پس دیگر عذابی و عقابی نیست و هر آنچه هست، نعمت و امنیت است (ابن عربی، ۱۳۹۲: ۱۹۸/۲).

وی در جای دیگری می‌نویسد:

فمن عباد الله من تدرکهم تلک الألام فی الحیاة الأخری فی دار تسمى جهنم و مع هذا لا یقطع احد من اهل العلم الذین کشفوا الامر علی ما هو علیه انه لا یكون لهم فی تلک الدار نعیم خاص بهم؛ برخی از بندگان خدا هستند که رنج و دردها در زندگانی آخرت و در سرایی که دوزخ نامیده می‌شود، می‌کشند با این حال هیچ کس از صاحبان علم، آنان که کار دوزخ بر آن گونه که هست بر ایشان کشف و آشکار شده، یقین ندارند که در آن سرا نعیمی که به آنان اختصاص داشته باشد، نیست (همو، ۲۰۰۲: ۱۱۴).

ابن عربی در این دو بیان، جاودانه نبودن عذاب دوزخیان را تشریح می‌کند و عذاب و عقاب را فناپذیر می‌داند.

نقل دوم: از دیگر علمای عرفان که مخالف مسئله خلود است، عبدالرزاق کاشانی است که می‌گوید: «بعد از آنی که کفار و منافقان از رهایی از عذاب ناامید شدند، خداوند عذاب را از آنان دور می‌سازد و بعد از تحمل عذاب شدید و مدید، به لذت‌های اخروی و نعمات الاهی می‌رسند» (کاشانی، ۲۰۰۷: ۱۲۳).

نقل سوم: داوود قیصری در تبیین نظریه خود در باب جاودانه‌نبودن عذاب معتقد است منقطع‌نشدن عذاب دور از شأن و عظمت خداوند متعال است. وی می‌نویسد: «و من شأن من هو موصوف بهذه الصفات الا يعذب احدا عذاب ابدیا؛ از شأن کسی که موصوف به این صفات است (خداوند متعال) این است که کسی را عذاب ابدی نکند» (قیصری، ۱۴۲۳: ۲۶/۲).

قیصری در ادامه این مطلب عذاب و آتش جهنم را به سه دسته تقسیم می‌کند که قسم اول برای منافقان، قسم دوم برای مشرکان، و قسم سوم برای کافران است، اما در پایان می‌گوید: «انواع العذاب غیر مخلد علی اهل من حیث انه عذاب لانقطاعه بشفاعة الشافعين؛ انواع عذاب برای اهل آن همیشگی نخواهد بود؛ زیرا عذاب به شفاعت شافعان منقطع خواهد شد» (همان: ۴۳۵/۱).

نقل چهارم: عبدالرحمن جامی در بیان مطلب خود و در مخالفت با خلود می‌نویسد: اگر کسی را در خاطر خلجانی افتد، بنا بر توهم مخالفت آن با ظاهر بعضی از آیات و احادیث، باید که بر انکار اصرار ننماید و به طعن در اولیای خداوند سبحانه و مبادرت نجوید و بر قصور فهم خود حمل کند، نه بر نقصان حال ایشان (جامی، ۱۳۰۶: ۱۸۹-۱۹۰).

۲.۳. نظریه موافقان خلود

کسانی که به خلود در آتش معتقدند، ادله زیر را برای این مدعا بیان کرده‌اند:

۱. تصریح آیات قرآن کریم

با توجه به تصریح آیات قرآن کریم، فرضیه‌ای غیر از خلود و تفسیری غیر از آن بسیار مشکل است. این آیات صراحتاً، بارها و بارها، از دائمی‌بودن عذاب کافران و مشرکان سخن گفته و آن را برای این دسته از انسان‌ها دائمی دانسته‌اند. برخی از آیات که به خلود دوزخیان اشاره دارد در ابتدای مقاله ذکر شد، که از تکرار آن پرهیز می‌کنیم.

۳. ۲. ۲. روایات متعدد

دلیل دیگری که موافقان مبحث «خلود» ذکر کرده‌اند، روایات واردشده از معصومان علیهم‌السلام است، از جمله:

۱. پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

فَيَفْرَحُ أَهْلُ الْجَنَّةِ فَرَحًا لَوْ كَانَ أَحَدٌ يَوْمَئِذٍ مَيِّتًا لَمَاتُوا فَرَحًا وَ يَشْهَقُ أَهْلُ النَّارِ شَهَقَةً لَوْ كَانَ أَحَدٌ مَيِّتًا لَمَاتُوا؛ پس بهشتیان آنچنان خوشحال می‌شوند که اگر آن روز مرگی در کار بود، از شدت خوشحالی جان می‌باختند و دوزخیان (از شدت ناراحتی) فریادی برمی‌آورند که اگر کسی از هراس فریاد می‌مرد، مسلماً (از وحشت آن) می‌مرد (مجلسی، ۱۴۱۴: ۳۴۵/۸).

۲. امام کاظم علیه‌السلام فرمود: «لَا يَخْلُدُ اللَّهُ فِي النَّارِ إِلَّا أَهْلَ الْكُفْرِ وَالْجُحُودِ وَ أَهْلَ الضَّلَالِ وَالشَّرْكِ؛ خدا کسی را در آتش دوزخ منخلد و جاوید ندارد مگر اهل کفر و جحود و اهل ضلالت و شرک را» (همان: ۳۵۱/۸).

۳. امام رضا علیه‌السلام به مأمون عباسی چنین نوشت: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ مُؤْمِنًا وَ قَدْ وَعَدَهُ الْجَنَّةَ وَ لَا يَخْرُجُ مِنَ النَّارِ كَافِرًا وَ قَدْ أَوْعَدَهُ النَّارَ؛ خداوند مؤمنی را که وعده بهشت به او داده وارد آتش جهنم نمی‌کند و کافری را که به او وعده آتش جهنم و خلود در آن را داده از جهنم خارج نمی‌کند» (همان: ۳۶۲/۸).

در این روایات و دیگر روایاتی از این دست که مجال پرداختن به آنها نیست، به تصریح آمده است که عذاب الاهی در دوزخ جاودانه خواهد بود و خداوند متعال اهل دوزخ را از آن خارج نمی‌کند.

۳. ۲. ۳. اجماع علمای اسلام

موافقان خلود در دوزخ، اتفاق علمای جهان اسلام (اعم از امامیه، اشاعره و معتزله) بر این مدعا را ذکر کرده‌اند و آن را دلیل دیگری بر مدعای خود دانسته‌اند؛ در اینجا به اقوال برخی از علما در مبحث «خلود» می‌پردازیم:

۱. سید مرتضی: «و قد اجتمعت الامة على ان عقاب الكفر الذي يوافق به دائم فقطعنا عليه؛ به تحقیق علمای امت اسلامی اجماع کرده‌اند بر اینکه عقاب کفار دائمی است و ما آن را قطعی می‌دانیم» (سید مرتضی، ۱۴۱۱: ۵۲۳).

خلود دوزخیان در جهنم از منظر آیات و روایات: بررسی ... ۲۸۹/

۲. شیخ مفید: «اتفقت الامامیه، علی الوعید بالخلود فی النار، متوجه الی الکفار؛ اتفاق کرده‌اند علمای امامیه بر اینکه عذاب جاودانه الاهی متوجه کفار است» (مفید، ۱۹۹۳: ۴۷).

۳. شهید ثانی: «دوام عقاب الکافرین فی النار و دوام نعیم المؤمن فی الجنة فلا ریب انه يجب التصدیق بها اجمالاً لاتفاق الأمة علیها و تواتر السمع بها فمنکر یخرج عن الایمان؛ عقاب کافران در جهنم و متنعم شدن مؤمنان در بهشت دائمی است. پس شکی نیست که باید آن را تصدیق کرد. زیرا علمای امت بر آن اتفاق دارند و روایات متواتری بر آن است. پس منکر آن از دایره ایمان خارج است» (ابن سینا، ۱۳۱۸: ۳۰۴/۱).

۴. فخر رازی: «اجمعوا علی ان وعید الکافر المعاند دائم؛ علمای اسلام اجماع کرده‌اند که عذاب کفار معاند، دائمی است» (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰: ۴۰۰).

۵. قاضی عضدالدین ایجی: «اجمع المسلمون علی ان الکفار مخلدون فی النار ابداً لا ینقطع عذابهم؛ اجماع کرده‌اند مسلمانان (علمای اسلام) بر اینکه کفار همیشه در عذاب خواهند بود و عذاب آنان قطع نمی‌شود» (ایجی، ۱۳۷۳: ۳۱۸/۸).

۳.۳. نظریه صدرای شیرازی: خلود نوعی

صدرای شیرازی، در موضوع خلود دوزخیان، ابتدا موافق نظریات ابن عربی بود. وی قائل بود که دوزخیان در جهنم خالد و همیشگی نخواهند بود. به نظر او، عرفا، به‌ویژه ابن عربی، برای این نظریه ادله‌ای عقلی اقامه کرده‌اند. لذا وی مخالف خلود دوزخیان در جهنم بود.

ملاصدرا، در مقابل این نظریه، آیات قرآن کریم و روایات معصومان (علیهم‌السلام) را می‌دید و برای رفع تعارض دیدگاه خود با آیات قرآن کریم، به نظریه «خلود نوعی» معتقد شد. به نظر وی، اهل جهنم پس از تحمل عذاب الاهی، شاکله یا طبیعتشان تغییر می‌کند و دیگر رنج و عذاب را احساس نمی‌کنند. بنابراین، در جهنم جاودان‌اند، اما از حضورشان در آن ناراحت و در اذیت نیستند. وی در تبیین این مطلب می‌گوید:

پس آیاتی که در حق گناهکاران وارد شده و حاکی از تعذیب (و خلود آنها در جهنم) است، حق و درست است و کلمات اهل کشف و شهود (که حاکی از عدم خلود است) منافی با آیات نخواهد بود؛ زیرا عذاب بودن چیزی از جهتی، منافی با رحمت بودن آن از جهت دیگر نیست. پس ستایش و حمد و ثنا زینده خدایی

است که دایره رحمت او نسبت به اولیا و دوستان او بی‌نهایت وسیع و محیط است، در عین شدت و نعمت؛ و همچنین نعمت و عذاب او نسبت به دشمنان او شدید است، در عین سعت رحمت او (صدرالدین شیرازی، ۱۳۴۶: ۳۱۵).

بنابراین، از جملات وی برمی‌آید که خلود در آتش را تا زمانی بر انسان می‌داند که عارضه «گنہکاربودن» یا «مشرک‌بودن» بر او صادق باشد و هر زمان که این عارضه از او رفع شد و متحمل عذاب استحقاقی شد، از خلود در آتش خارج می‌شود و اگر هم در آتش بماند، عذاب و الم را احساس نمی‌کند.

عدول ملاصدرا از نظریه خود

صدرای شیرازی در آخرین کتابش با عنوان عرشیه، پس از اشاره به مبحث خلود، از نظریه ابتدایی‌اش عدول و با قول «موافقان خلود» همراهی می‌کند. وی در این کتاب می‌نویسد:

و صاحب الفتوحات المکیة امعن فی هذا الباب و بالغ فیہ فی ذلک الکتاب و قال فی الفصوص: و اما اهل النار فمألهم الی النعیم اذ لا بد لصورة النار بعد انتهاء مدة العقاب ان تكون بردا و سلاما علی من فیها و اما أنا و الذی لاح لی بما انا مشتغل به من الرياضیات العلمیة و العلمیة، ان دار الجحیم لیست بدار نعیم، و انما هی موضع الألم و المحن و فیها العذاب الدائم، لکن آلامها متفتتة متجددة علی الاستمرار بلا انقطاع و الجلود فیها متبدلة، و لیس هناک موضع راحة و اطمینان، لان منزلتها من ذلک العالم منزلة عالم الکون و الفساد من هذا العالم؛ صاحب کتاب فتوحات مکیه، ابن عربی، در این باب امعان نظر کرد و در آن کتاب، بحث فراوان نمود و در فصوص گفت: اما دوزخیان، فرجام کار آنها به سوی نعمت است؛ زیرا صورت آتش برای دوزخیان پس از سپری شدن مدت عقوبت، سرد و سلامت می‌شود. اما من، آنچه که برایم با اشتغال به ریاضت‌های علمی و عملی، ظاهر و آشکار شده، این است که دوزخ و سرای جحیم جای نعمت نیست، بلکه جای درد و رنج است و در آن، عذاب دائم و همیشگی وجود دارد، اما رنج‌ها و دردهایش گوناگون و نو به نو و در عین حال پیوسته و بدون پایان است. پوست‌ها در آن دگرگون می‌شوند. آنجا جای راحتی و آسودگی و رحمت و آرامش نیست؛ زیرا

خلود دوزخیان در جهنم از منظر آیات و روایات: بررسی ... ۲۹۱/

منزلت دوزخ و دار جحیم در آن سرای، همانند منزلت عالم کون و فساد، از این عالم دنیا است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۴۰: ۲۸۲).

در این عبارت به ظاهر می‌توان گفت صدرای شیرازی از نظریه ابن عربی دست برداشته و به حقیقت جدیدی دست یافته است. از منظر صدرای شیرازی، هرگز عذاب برای اهلش گوارا نخواهد شد و آنان همیشه با درد و الم همراه خواهند بود. ملاهادی سبزواری در حاشیه بر *الشواهد الربوبیه* ملاصدرا، پس از اشاره به نظریه وی، چنین می‌نویسد:

بعض کلمات المصنّف متشابهة و لکن کلامه فی رسالته المسمّاة بالعرشیه محکم، فلیردّ المتشابه الی المحکم و هی آخر مصنفاته؛ بعضی از کلمات ملاصدرا در سایر کتب ایشان، متشابه است، و لکن عبارات ایشان در عرشیه محکم است و باید متشابه را حمل بر محکم کرد؛ چراکه عبارات عرشیه آخرین کلام (و اعتقاد) او است (سبزواری، ۱۳۷۰: ۳۱۷).

طبق این عبارت، همگان، به ویژه ملاهادی سبزواری، عبارات کتاب عرشیه را دال بر تغییر نظریه ملاصدرا می‌دانند.

نتیجه

جاودانگی یا خلود در آخرت به دو قسم خلود در بهشت و خلود در جهنم تقسیم می‌شود؛ خلود در بهشت، محل اتفاق همگان است، اما خلود در جهنم در معرض اشکالات و پرسش‌هایی است و نظریات متفاوتی را برانگیخته است. فیلسوفان، متکلمان، مفسران و عارفان دیدگاه‌هایی بعضاً ناسازگار با یکدیگر در پاسخ به این پرسش مطرح کرده‌اند.

قرآن در آیات متعددی به بحث خلود پرداخته و آن را برای کافران و مشرکان مسلم می‌داند، اما در برخی از آیات جاودانگی عذاب را فقط برای زناکار و رباخوار و قاتل ذکر می‌کند. با این حال مفسران در بحث خلود دیدگاه‌هایی مطرح کرده‌اند که می‌توان آنها را به دو دسته موافق و مخالف تقسیم کرد؛ دیدگاه‌هایی که طبق آیات و روایات مذکور در این مقاله، موافق با مسئله خلود در بهشت و جهنم‌اند؛ و دیدگاه‌هایی که با

ادله عقلی معتقدند خلود در جهنم مخالف با عدل و حکمت خدا است. در این مسئله مفسران از یک طرف با صراحت آیات قرآن مواجه‌اند و از طرف دیگر با حاکمیت رحمت الاهی بر همه عالم و منافات خلود با رحمت واسع الاهی. بنابراین، هر کدام قائل به نظریه و توجیهی ذیل آیات قرآن شده‌اند. در این میان صدرای شیرازی ابتدا به نظریه جاودانه نبودن عذاب دوزخیان در جهنم قائل شده و با برخی عرفا، همچون ابن عربی، همراهی می‌کند، اما در آخرین تصنیفش از این نظریه عدول می‌کند و موافق خلود در عذاب می‌شود و با تصریح آیات همراهی می‌کند.

پی‌نوشت

۱. اشاره به آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (روم: ۳۰).

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۰). ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- ابن عربی، محمد بن علی (۱۳۹۲). *الفتوحات المکیة*، قاهره: مکتبه العربیة.
- ابن عربی، محمد بن علی (۲۰۰۲). *شرح فصوص الحکم*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغة*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابن قسیم جوزیه (۱۹۸۹). *حادی الارواح الی بلاد الافراح*، قاهره: مکتبه القرآن.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۱۸). *حکمت*، بمبئی: مطبعة گلزار.
- ایجی (قاضی عضدالدین)، عبدالرحمن بن احمد (۱۳۷۳). *شرح المواقف*، قم: شریف رضی.
- جامی، عبد الرحمن (۱۳۰۶). *تقد النصوص*، بمبئی: ملک الکتاب.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). *تفسیر تسنیم*، قم: اسراء.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۷۴). *الکشاف*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- سبزواری، ملاحادی (۱۲۷۰). *حاشیه شواهد الربوبیة*، تهران: نشر ابراهیم تهرانی.
- سید مرتضی (۱۴۱۱). *الذخیره فی علم الکلام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۳). *الدر المثور*، بیروت: دار الفکر.
- شلتوت، محمود (۱۹۹۱). *الاسلام عقیده و شریعة*، قاهره: دار الشروق.

- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۴۰). *الحکمة العرشية*، اصفهان: مهدوی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۴۶). *شواهد الربوبية*، مشهد: دانشگاه مشهد.
- صدیق حسن خان، محمد (۱۴۱۵). *تفسیر فتح البیان فی مقاصد القرآن*، بیروت: المكتبة العصرية.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۵۰). *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، تهران: صدرا.
- عبده، محمد (۱۴۲۷). *تفسیر المنار*، بیروت: دار الفکر.
- غزالی، محمد (۱۴۳۰). *الاقتصاد فی الاعتقاد*، قاهره: دار البصائر.
- فخر الدین رازی، محمد بن عمر (۱۳۷۱). *تفسیر کبیر*، تهران: اساطیر.
- فخر الدین رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). *المحصل*، قم: شریف رضی.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۲۷۲). *القاموس البسيط فی ترجمة قاموس المحيط*، بی جا: بی نا.
- قیصری، داوود بن محمود (۱۴۲۳). *مطلع خصوص الکلم فی معانی فصوص الحکم (للشیخ الاکبر محیی الدین)*، تصحیح: محمدحسن الساعدی، قم: انوار الهدی.
- کاشانی، عبد الرزاق (۲۰۰۷). *شرح فصوص الحکم*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۴). *بحار الانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۵). *اصول عقاید*، تهران: امیرکبیر.
- معلوف، لوییس (بی تا). *المنجد*، ترجمه: محمد بندرریگی، تهران: متنا.
- مفید، محمد بن محمد (۱۹۹۳). *اوائیل المقالات*، بیروت: دار المفید.

References

- The Holy Quran. 2002. Translated by Naser Makarem Shirazi, Tehran: Islamic History and Teachings Office.
- Abdoh, Mohammad. 2006. *Tafsir al-Menar*, Beirut: Al-Fekr Institute. [in Arabic]
- Fakhr al-Din Razi, Mohammad ibn Omar. 1993. *Tafsir Kabir (Great Commentary)*, Tehran: Asatir. [in Arabic]
- Fakhr al-Din Razi, Mohammad ibn Omar. 1999. *Al-Mohassal (The Product)*, Qom: Sharif Razi. [in Arabic]
- Firuzabadi, Mohammad ibn Yaghub. 1894. *Al-Ghamus al-Basit fi Tarjemah Ghamus al-Mohit*, n.p: n.pub. [in Arabic]
- Ghazzali, Mohammad. 2009. *Al-Eghtesad fi Al-Eteghad (Moderation in Beliefs)*, Cairo: Al-Basaer Institute. [in Arabic]
- Gheysari, Dawud ibn Mahmud. 2002. *Matla' Khosus al-Kalem fi Ma'ani Fous al-Hekam*, Edited by Mohammad Hasan Al-Saedi, Qom: Anwar al-Hoda. [in Arabic]
- Ibn Arabi, Mohammad ibn Ali. 2002. *Sharh Fous al-Hekam*, Beirut: Scientific Books Institute. [in Arabic]
- Ibn Arabi, Mohammad ibn Ali. 2014. *Al-Fotuhah al-Makkiyah*, Cairo: Arabic Library. [in Arabic]
- Ibn Fares, Ahmad. 1984. *Mu'jam Maghayis al-Loghah*, Qom: Qom Seminary Islamic Propaganda Office. [in Arabic]
- Ibn Ghayyem Juziyah. 1989. *Hadi al-Arwah ela Belad al-Afrah*, Cairo: Quran Library. [in Arabic]
- Ibn Sina, Hoseyn ibn Abdollah. 1940. *Hekmat*, Bombay: Golzar Library.
- Iji (Ghazi Azod al-Din), Abd al-Rahman ibn Ahmad. 1995. *Sharh al-Mawaghef*, Qom: Sharif Razi.
- Jami, Abd al-Rahman. 1928. *Naghd al-Nosus*, Bombay: Malek al-Ketab.
- Jawadi Amoli, Abdollah. 2006. *Tafsir Tasnim*, Qom: Esra. [in Farsi]
- Kashani, Abd al-Razzagh. 2007. *Sharh Fous al-Hekam*, Beirut: Scientific Books Institute. [in Arabic]
- Maalouf, Louis. n.d. *Al-Monjed*, Translated by Mohammad Bandar Reygi, Tehran: Matna. [in Farsi]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1993. *Behar al-Anwar (Oceans of Light)*, Beirut: Foundation for the Revival of Arabic Heritage. [in Arabic]
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi. 1997. *Osul Aghaed (Principles of Beliefs)*, Tehran: Amirkabir. [in Farsi]
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad. 1993. *Awael al-Maghalat (Early Statements)*, Beirut: Al-Mofid Institute. [in Arabic]

خلود دوزخیان در جهنم از منظر آیات و روایات: بررسی ... / ۲۹۵

- Sabzewari, Molla Hadi. 1892. *Hashiyah Shawahed al-Robubiyah*, Tehran: Ibrahim Tehrani Publication. [in Arabic]
- Sadr al-Din Shirazi, Mohammad ibn Ibrahim. 1962. *Al-Hekmah al-Arshiyah (Divine Wisdom)*, Esfahan: Mahdawi. [in Arabic]
- Sadr al-Din Shirazi, Mohammad ibn Ibrahim. 1968. *Shawahed al-Robubiyah*, Mashhad: University of Mashhad. [in Arabic]
- Sedigh Hasankhan, Mohammad. 1994. *Tafsir Fath al-Bayan fi Maghased al-Quran (Interpretation of Fath al-Bayan on Maghased al-Quran)*, Beirut: Modern Library. [in Arabic]
- Seyyed Morteza. 1990. *Al-Zakhirah fi Elm al-Kalam (Excerpts of Theology)*, Qom: Islamic Publication Office.
- Shaltut, Mahmud. 1991. *Al-Islam Aghidah wa Shariah (Islam is a Doctrine and Sharia)*, Cairo: Al-Shorugh Institute. [in Arabic]
- Siyyuti, Jalal al-Din. 1983. *Al-Dorr al-Manthur (The Narrative Pearl)*, Beirut: Al-Fekr Institute. [in Arabic]
- Tabatabayi, Mohammad Hoseyn. 1972. *Osul Falsafeh wa Rawesh Realism (Principles of Philosophy and Method of Realism)*, Tehran: Sadra. [in Farsi]
- Zamakhshari, Mahmud ibn Omar. 1996. *Al-Kashshaf*, Qom: Islamic Media Office. [in Arabic]